

بررسی احادیث تأثیر سوره‌ها در درمان بیماری‌های جسمی*

محمدعلی رضایی اصفهانی** و احمد مرادخانی*** و حسن‌رضا رضایی****

چکیده

احادیث بی‌شماری در جوامع روایی و تفسیری وجود دارد که با صراحت، نسخه درمان برخی یا تمام بیماری‌ها را قرائت سوره یا آیه قرآن می‌دانند. مسلمانان از دیرباز با توجه به اعتقادشان به قرآن، به قرائت برخی سوره‌ها و آیات برای درمان بیماری‌ها مبادرت می‌کردند. شکی نیست که قرآن معجزه ابدی و شفابخش بیماری‌های روحی و روانی و جهل و نادانی است؛ اما آیا با تلاوت سوره‌های آن می‌توان امراض جسمی را درمان کرد؟ از این رو، مقاله پیش رو در پی بررسی احادیث تأثیر سُور در درمان بیماری‌های جسمی است. پژوهش حاضر، با روش تحلیلی-توصیفی و با بررسی سندی و دلالتی و همچنین با استفاده از فقه‌الحديث و علم رجال و نقد آن‌ها سامان یافته و گردآوری مطالب از طریق نرم افزارها و روش کتابخانه‌ای است. با بررسی احادیث خواص سُور در درمان بیماری‌ها که دامنه آن‌ها در منابع شیعی و سنی است، روشن شد که این احادیث در برخی موارد از سند متقنی برخوردار نبودند و روایان آن‌ها مورد طعن اصحاب رجال قرار گرفته‌اند؛ برخی از آن‌ها که غالباً اهل تسنن هستند، اعتراف به جعل حدیث به‌خاطر ترغیب مردم به قرائت قرآن نمودند. از مجموع این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به احادیث دیگر و ادله قرآنی، خواندن سوره‌های قرآن همراه با اخلاص و ایمان می‌تواند در درمان بیماری‌ها، مؤثر باشد. علوم تجربی نیز تأثیر قرائت قرآن را در درمان برخی از بیماری‌ها می‌پذیرد.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۸ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۳/۲۰.

** استاد جامعه المصطفی العالمیه، قم؛ (نویسنده مسئول)؛ (Rezaee.quran@gmail.com).

*** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، قم؛ (ah_moradkhani@yahoo.cim).

**** دانش‌آموخته دکتری گروه قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، قم؛ (hasanreza.rezaee@gmail.com).

علاوه بر آن، خداوند امور خود را بر اساس اسباب وضع کرده است؛ اما این مطلب از باب وجود مقتضی و زمینه است، نه علت تامه؛ تأثیر آن‌ها مشروط به مقتضیاتی مانند عمل بر طبق محتوای سوره‌ها و اعتقاد شخص به تأثیرگذاری و... بوده، همچنان که مستلزم عدم موانعی از جمله: عدم اعتقاد بیمار به تأثیر و کفر و... است.

واژگان کلیدی: قرآن، حدیث، قرآن درمانی، احادیث خواص سُور، درمان، نقد حدیث.

مقدمه

حدیث در اسلام از جایگاه خاصی برخوردار است و خداوند حکیم، حجیت و اعتبار آن را در تفسیر امضاء کرده است ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾ (نحل: ۴۴)؛ و ذکر (قرآن) را بر تو فرو فرستادیم تا برای مردم، آنچه را که به سویشان فرود آمده است، تبیین کنی. خداوند به مسلمانان امر نموده است که تابع کلام رسول خدا باشند ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ (حشر: ۷). برای حجیت سخنان اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر قرآن، می‌توان از جمله به آیه تطهیر (احزاب: ۳۳) و آیات ﴿اطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَاولی الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (نساء: ۵۹)؛ ﴿فَاسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (نحل: ۴۳؛ انبیاء: ۷) و همچنین به حدیث متواتر ثقلین و احادیث قطعی دیگر اشاره کرد. باید اذعان داشت که این احادیث از گزند جاعلانی که با پوشش مذهب سنی و شیعه ظاهر شدند، در امان نمانده و احادیث جعلی را در لابلاهی احادیث صحیح درج نمودند تا حق از باطل شناخته نشود. در این میان، احادیثی اشاره به خواص سُور در درمان بیماری‌ها وجود دارد که برخی از آن‌ها در جوامع روایی شیعه و اهل سنت بدون سند، یا مرسل و یا مرفوع نقل شده و برخی دیگر نیز با خبر واحد و با قرائتی مانند شهرت عملی و برخی نیز با سند مطرح شده است. از این رو در این نوشتار، ضرورت دارد به واکاوی این احادیث از حیث بررسی علل صدور آن‌ها، روایان آن‌ها و توجیهاات وارده، پرداخته شود تا قداست و منزلت قرآن و احادیث صحیح حفظ شود.

پیشینه تأثیر قرائت و تلاوت قرآن در درمان بیماری‌ها را می‌توان به عصر نزول وحی پیوند زد. از اسباب و شأن نزول و روایات، می‌توان استفاده کرد که درمان با قرآن جایگاه ویژه‌ای در عصر رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم داشته است. پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم علاوه بر درمان روحی و روانی، امراض جسمی را نیز با قرآن مداوا می‌کردند. تأثیر برخی آیات و سوره‌ها در منابع حدیثی مانند: بحارالانوار، جلد ۹۲؛ اصول کافی، جلد ۲؛ من لا یحضر الفقیه، جلد ۱؛ معانی الاخبار؛ تهذیب الأحکام، جلد ۲؛ مکارم الاخلاق، جلد ۲؛ جامع الاخبار و ثواب الاعمال (در این کتاب بیش از ۱۰۰ حدیث درباره تأثیر

سوره‌ها آمده است) و... و همچنین در تفاسیری مانند: البرهان، مجمع البیان، نور الثقلین، الدر المنثور، تفسیر قمی، کنز الدقائق و... مطرح شده است. کتاب‌های زیادی درباره تأثیر سوره قرآن (سیوطی، الاتقان، ۱۳۶۳: ۱۵۸/۴، باب ۷۵) و همچنین فضائل سوره (زرکشی، البرهان، ۱۴۱۰: ۳۲/۱ باب ۲۶ و ۲۷) نوشته شده است. اشخاصی همچون، کعب انصاری (۳۰ق)، خالد برقی (۲۷۴ق)، محمد بن یسار (۳۶۸ق) و محمدعلی حزین (۱۱۸۱ق) درباره فضایل قرآن قلم زده‌اند و برخی دیگر مانند بیرجندی (۹۲۶ق)، بهاء الدین (۹۶۲ق)، محمدباقر مجلسی (۱۱۱۱ق)، احمد تمیمی (۳۷۰ق) و ابن نعیم (۱۱۳۵ق) مکتوباتی با نام «منافع القرآن» تدوین نمودند و شوشتری (۱۰۲۱ق)، محمد شفیعی (۱۲۲۰ق)، آقاجانی اصفهانی (۱۲۳۲) و محمدحسن ازغندی کتاب‌هایی با نام خواص القرآن دارند که در آن‌ها هم اشاره به فضایل و ثواب قرائت قرآن و هم اشاره به خواص درمانی آن شده است. نویسندگان معاصر، به مقوله قرآن‌درمانی روحی و جسمی اهتمام داشته‌اند و مهم‌ترین آن‌ها «قرآن‌درمانی» اثر عبدالحسین، «الاستشفاء بالقرآن» اثر حسینی و اعلمی، «شفا و درمان در قرآن» اثر میراشرفی، «اسرار التداوی و العلاج بالقرآن» اثر باقر الموسوی، «سوره‌درمانی» اثر درجزی، «خواص سوره‌های قرآن» اثر حکیمی، «قرآن‌درمانی» اثر عبدالحسین صالحی، «شفا و درمان در قرآن» اثر مجتبی رضایی و... می‌باشد. آنچه این نوشتار را با مطالب دیگران متمایز می‌کند، بررسی سندی و دلالتی و تحلیل احادیث تأثیر سوره در بیماری است.

الف) مفهوم‌شناسی

برای فهم بهتر موضوع نیازمند به بررسی لغوی و اصطلاحی واژه‌هایی مانند: قرائت، سوره، درمان، شفاء، بیماری و سقیم هستیم.

۱. شفاء

لغت‌شناسان برای لفظ «شفاء» از ریشه «شفی»، معانی نزدیک به هم را ذکر نموده‌اند. برخی واژه «شفاء» بکسر (ش) را به معنی صحّت و سلامت معنا نمودند (ابن منظور، لسان العرب، ۱۹۹۰: ۴۳۶/۱۴). در مفردات نیز «الشفاء من المرض» آمده است (راغب اصفهانی، مفردات، ۱۳۶۲: ۴۵۹). قرشی، «شفاء» را رسیدن به کنار سلامتی می‌داند (قرشی، قاموس قرآن، ۱۳۷۵: ۵۸/۴). ما حصل دیدگاه لغت‌شناسان را می‌توان در سه نکته بیان کرد:

۱. مشرف‌شدن بر چیزی (مثل غلبه و احاطه بر مریضی) (ابن فارس، معجم مقایس اللغه، ۱۴۰۴: ذیل واژه شفی).

۲. آخرین نقطه مشرف بر چیزی (مثل آخرین نقطه مشرف بر چاه قبل از سقوط، مابین سقوط و افتادن در چاه و نیفتادن اما رو به افتادن) (مصطفوی، التحقیق، ۱۳۷۱: ۹۰/۶).

۳. اولین نقطه خلاص شدن از چیزی (مثل اولین نقطه خلاص شدن از مریضی، مابین مریضی و سلامت؛ اما رو به سلامت) (ابن منظور، لسان العرب، ۱۹۹۰: ۴۷/۱۲).

هر چند راغب اصفهانی (راغب اصفهانی، مفردات، ۱۳۶۲: ۴۵۹) «شفا» بدون همزه و فتح (ش) را اشاره به کنار چاه و با همزه و کسر (ش) را اشاره به سلامتی معنا کرده است؛ اما باید گفت دیدگاه صاحب التحقیق (مصطفوی، التحقیق، ۱۳۷۱: ۹۰/۶) به مطلوب نزدیک‌تر است. بنابراین، «شفا» به معنی چیزی است که مشرف به نجات مانند سلامتی و نابودی مانند لب پرتگاه می‌باشد. «شفا» به معنی نقطه آخر چیزی است.

در اصطلاح، حصول سلامتی پس از بیماری را می‌توان «شفا» نامید (دهخدا، لغت نامه، ۱۳۷۷: ذیل واژه «شفا»).

۲. بیماری (داء)

واژه «بیماری» به معنای پراکندگی مزاج بعد از صحت و درستی است (دهخدا، لغت نامه، ۱۳۷۷: ذیل واژه مرض). به عبارت دیگر، آنچه بر بدن عارض می‌گردد و آن را از اعتدال خاص خود خارج می‌سازد «بیماری» می‌گویند (صفی‌پوری شیرازی، ۱۳۸۸: ۱/ذیل واژه «بیماری»). «بیماری» اختصاص به بدن ندارد؛ بلکه به قلب و دل و در مورد شک، نفاق، سستی، ظلمت و نقصان به کار می‌رود. و اصطلاحاتی مانند: داء، درد، ناخوشی، نالانی، ناچاقی، ناتندرستی، تغییر صحت، اضطراب مزاج، ناسازی، سقم، خستگی، سام، آزار، رنجوری، رنج، مقابل صحت و... به کار رفته است. استعمال دیگر این کلمه در بیماری‌هایی مانند: رذیلت و هرزگی، نادانی، ترس، بخل و حسد، نفاق و دورویی و... بوده که از صفات اخلاقی مذموم هستند؛ مانند: ﴿فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا﴾ (بقره: ۱۰)؛ ﴿أَفِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا﴾ (نور: ۵۰ و توبه: ۱۲۵). مفهوم «بیماری» در قرآن، از ریشه «مَرَضٌ» ۱۱ بار و با واژه «سَقِيمٌ» دو بار و عبارت «أُولِي الضَّرَرِ» یک بار آمده است.

۳. سقیم

راغب در مفردات، «سقیم» را بیماری بدن و نفس معنا نموده است (راغب، مفردات، ۱۳۶۲: ۴۱۵) و التحقیق، بیماری که در بدن مستقر شده باشد و استعمال آن را در بیماری‌های ظاهری برشمرده است (مصطفوی، التحقیق، ۱۳۷۱: ۵:۱۵۴). اکثر اهل لغت، «سقیم» را درباره بیماری جسمی و حاد به کار می‌برند. این واژه در قرآن، دو مرتبه ذکر شده است: ﴿فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ﴾ (صافات: ۸۹)؛ ﴿فَتَبَدَّلْنَا بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ﴾ (صافات: ۱۴۵).

۴. درمان

اهل لغت «درمان» را به معنای علاج و دارو معنی نمودند و برای برطرف شدن حالت بیماری روحی و جسمی به کار گرفته می شود (دهخدا، لغت نامه، ۱۳۷۱: ذیل واژه «درمان»). «درمان» به دو دسته قابل تقسیم است: یکی درمان امراض و بیماری و دیگری درمان پیشگیرانه که در اصطلاح پزشکی، بهداشت (hygiene) نامیده می شود (صانعی، پاکیزگی و بهداشت در اسلام، ۱۳۸۵: ۹).

ب) تأثیر سوره‌ها در درمان بیماری‌های روحی و روانی

از احادیث و دیدگاه دانشمندان استفاده می شود که قرائت سوره‌ها و عمل به محتوای آن‌ها تأثیر شگرفی در درمان بیماری‌های روحی و روانی دارد؛ زیرا مشکل بزرگ انسان‌ها در دو بعد حکمت عملی (اخلاق، احکام و...) و حکمت نظری (اعتقادی، فکری و...) است (بیضاوی، انوار التنزیل و اسرار التاویل، ۱۴۱۸: ۲/۲۳۶). استاد جوادی آملی معتقد است که قرآن، بیماری مربوط به حکمت نظری را با برهان عقلی؛ و امراض مربوط به حکمت عملی را با تهذیب و تصفیه دل بهبود می بخشد. جهل را با علم، شک را با یقین، غم و اندوه را با آرامش، ترس را با امید، نگرانی از آینده را با عزم و ثبات بر طرف می سازد. (جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ۱۳۷۸: ۱/۲۳۶؛ ابن کثیر دمشقی، تفسیر ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲/۴۳۶). از این رو در قرآن واژه «شفاء» برای قرآن به کار رفته است نه دارو. (همان: ۱/۲۳۴).

مفسران در ذیل آیات «شفاء» مطرح نمودند که «شفاء» و «درمان» با قرآن، مربوط به روح و روان انسان است (طوسی، التبیان، بی تا: ۱۸۵/۵). بعلاوه، با ادله نقلی و عقلی اثبات شده که بیماری‌های شک و جهل و نفاق (قرطبی، الجامع للاحكام القران، ۱۴۱۷: ۴/۴۸۷) و... مضرتر از امراض جسم است.

وَأَشَدُّ مِنْ مَرَضِ الْبَدَنِ مَرَضُ الْقَلْبِ؛ و سخت تر از بیماری تن، بیماری قلب است (حکمت: ۳۸۸).

حضرت علی (علیه السلام) بیماران فکری و عملی را به قرآن ارجاع می دهد:

فَاسْتَشْفُوا مِنْ أَدْوَانِكُمْ وَ اسْتَعِينُوا بِهِ عَلَى لَأْوَانِكُمْ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ أَكْبَرِ الدَّاءِ وَ هُوَ الْكُفْرُ وَ

۱۷۳

التَّفَاقُ وَ الْغَى وَ الصَّلَال؛ پس درمان خود را از قرآن بخواهید، و در سختی‌ها از قرآن یاری بطلبید، که در قرآن درمان بزرگ‌ترین بیماری‌ها یعنی کفر و نفاق و سرکشی و گمراهی است (خطبه: ۱۷۶).

وَ اسْتَشْفُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءُ الصُّدُورِ؛ از نور (قرآن) شفاء و بهبودی خواهید که شفای سینه‌های

بیمار است (خطبه‌های: ۱۱۰، ۱۰۹، ۱۷۵، ۱۸۱، ۱۷۵).

نویسنده تفسیر المیزان از صفات (موعظه، شفاء، هدایت، رحمت) استفاده می‌کند که آیه ۵۷ سوره یونس اشاره به شفا و درمان درونی و روحی دارد (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۳۶: ۱۱۸/۱۰؛ ۳۰۵/۱۳؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۶۸: ۳۱۸/۸). در قرآن برخی از بیماری‌ها، به قلب نسبت داده شده است: ﴿فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ﴾ (بقره: ۱۰)؛ منظور قرآن از اشاره به قلب، روح و روان انسان است؛ نه قلب صنوبری پزشکی (ابن منظور، لسان العرب، ۱۹۹۰: ذیل واژه قلب؛ مطهری، انسان کامل، ۱۳۷۰: ۱۲۱). بهترین دلیل برای شناخت درمان بیماری‌های اخلاقی با قرآن، مقایسه عرب قبل از اسلام و پرورش یافتگان بعد از اسلام است. عرب جاهلی با انواع بیماری‌های اخلاقی و اجتماعی و خانوادگی، با استفاده از نسخه شفابخشی قرآن درمان یافتند و چنان به قدرت معنوی و مادی رسیدند که هیچ قدرتی قادر به ایستادگی در برابر آن‌ها نبود (طباطبایی، المیزان، ۱۳۶۶: ۳۰۶/۱۳). در نتیجه، هدف اصلی نزول قرآن، برای درمان بیماری‌های روحی و روانی و اعتقادی و فکری بشر بود تا آن‌ها را از دنیای کفر و شرک و ظلمت به خداپرستی و اسلام سوق دهد. این اهداف در آیات متعددی معرفی شده است (ابراهیم: ۱ و ۵؛ مائده: ۱۵ و ۱۴).

اخیرا برخی از روانشناسان با تحقیقات میدانی به این نتیجه رسیده‌اند که قرآن تأثیر فراوانی بر روح و روان و جسم انسان می‌گذارد و نتایج تحقیقات خود را منتشر نموده‌اند (مجموعه مقالات اسلام و بهداشت روان، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۲). در این جا به برخی از اثرات آیات الهی از نگاه روانشناسان اشاره می‌شود.

۱. قرائت مستمر قرآن، تأثیر بسزائی در رویارویی با اضطراب دارد. فهم و تدبیر در قرآن نیز در رویارویی با اضطراب مؤثر است (به مقالات همایش نقش دین در بهداشت روان، دانشگاه علوم پزشکی تهران، آذر ۱۳۷۶: ۸۸).

۲. کسانی که روزانه نیم ساعت در مدت شش ماه تلاوت قرآن داشته باشند؛ افسردگی و اضطراب کمتری از دیگران دارند. این نتیجه تحقیقی بود که از ۶۰ دختر به دست آمده است (همان: ۷۹).

۳. امید به آینده و داشتن روح امید، و دوری از ناامیدی و یأس و تأثیر آن در کاهش اضطراب و افسردگی (یوسف: ۸۷).

۴. اهتمام به صبر در تمامی مراحل دشوار زندگی و تأثیر آن در کاهش فشارهای روحی و روانی (بقره: ۱۵۳ و ۱۵۵ و آل عمران: ۲۰۰).

۵. داشتن توکل در تمامی کارها به خدا (احزاب: ۳ و آل عمران: ۱۵۹) و تأثیر آن در آرامش انسان.

۶. آرامش قلب با یاد خدا (اسراء: ۲۴ و بقره: ۸۳).
۷. ممنوع و مذموم بودن خودکشی در قرآن (نور: ۳۱ و احزاب: ۵۹).
۸. تکریم و احترام به والدین (طه: ۱۴) و نقش آن در سلامت خانواده.
۹. پوشش برای زنان و سلامتی روحی و روانی (نور: ۳۱ و احزاب: ۵۹).
۱۰. نیایش و نماز و آرامش روحی و روانی (طه: ۱۴).
۱۱. زندگی مشترک و تشکیل خانواده و تأثیر آن در آرامش فردی و سلامت اجتماع (روم: ۲۱).
۱۲. دوری از سوء ظن، غیبت و تجسس و تأثیر آن بر شخصیت افراد و سلامت جامعه (حجرات: ۱۱-۱۲).

کوتاه سخن اینکه، تمامی قوانین و مقررات الهی در راستای آرامش فردی و اجتماعی می‌باشند (به خلاصه مقالات همایش نقش دین در بهداشت روان، دانشگاه پزشکی تهران، ۱۳۷۶).

ج) احادیث تأثیر سوره در درمان بیماری‌های جسمی

تأثیر سوره‌ها در درمان روحی و روانی بر کسی پوشیده نیست. اختلاف نظرها در موضوع درمان برخی از بیماری‌های جسمی است که خاستگاه آن‌ها، وجود احادیث فراوان و تأیید برخی از علما و درج در کتاب‌های تفسیری و روایی معتبر می‌باشد.

اقسام احادیث تأثیر سوره‌ها

احادیثی که اشاره به خواص و منافع سوره و آیات در بعد درمان جسمی دارد را می‌توان به چند قسم تقسیم کرد که شرح ذیل ارائه می‌گردد:

یک. شفا به صورت مطلق

از برخی از احادیث خواص سوره استفاده می‌شود که قرآن را به صورت مطلق شفابخش می‌دانند؛ مانند: «القرآن هو الدواء» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۴: ۱۷۶/۹۲)؛ «قرآن دارو و درمان است» و «خیر الدواء القرآن» (المتقی الهندی، کنز العمال، ۱۴۰۱: ۸/۱۰)؛ «بهترین دارو قرآن است» و همچنین «و دواء داتکم» (خطبه: ۱۵۸)؛ حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «قرآن درمان بیماری‌های شماسه» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۴: ۲۰۲/۹۲).

از احادیث فوق استفاده می‌شود که اولاً، عمل به محتوای قرآن در درمان روح و جسم تأثیرگذار است و برای دوری از بیماری‌های فکری و روحی و جسمی می‌توانیم به قرآن مراجعه نماییم؛ ثانیاً، قرائت قرآن نیز تأثیر در درمان بیماری‌های روحی و جسمی دارد.

دو. شفای دردهای جسمانی

برخی دیگر از احادیث، قرائت قرآن را برای درمان دردهای جسمانی می‌داند، مانند: «مردی از درد گلو به پیامبر ﷺ پناه برد، پیامبر ﷺ فرمودند: «علیک بقراءة القرآن» (المتقی الهندی، کنز العمال، ۱۴۰۱: ۵۴۹/۱)؛ «قرآن را قرائت نما». پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: «قراءة القرآن مقطعه البلغم» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۴: ۲۰۲/۹۲)؛ «قرائت قرآن بیماری بلغم را زایل می‌کند». در ادامه بحث به احادیث بیشتری اشاره خواهد شد و تحقیق حاضر نیز به این قسم از احادیث می‌پردازد. از این رو، ظاهر این نوع احادیث اشاره به درمان جسم فیزیکی دارد، به این معنا با قرائت سوره‌ای از قرآن بیماری فلان بهبود می‌یابد.

سه. شفای بیماری خاص

برخی دیگر از احادیث، به درمان امراض خاص پرداخته است و در برخی از تفاسیر با عنوان خواص سوره مطرح شده است. برای نمونه، درباره سوره حمد آمده است: «فاتحة الكتاب شفاء من كل داء» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۹۵: ۸۷/۱)؛ «سوره حمد شفای تمام بیماری‌هاست». در جای دیگر، درمان سم (المتقی الهندی، کنز العمال، ۱۴۰۱: ۵۵۷/۱) و صرع (سیوطی، الدر المنثور، ۱۴۱۴: ۱۵/۱) و همه بیماری‌ها به جز مرگ (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۴: ۲۳۷/۹۲) معرفی شده است. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که:

کسی را که مرضی عارض شد، سوره حمد را در گریبان خود هفت مرتبه بخواند؛ پس اگر علت مرتفع شد و اگر بهبودی نیافت هفتاد مرتبه بخواند و من ضامن شفای او هستم (لثالی الاخبار: باب هفتم/۳۵۱).

هر چند واژه «داء» در لغت به بیماری و درد جامع (ظاهر و باطن) معنا شده «اسم جامع لكل مرض و عیب فی الرجال ظاهر أو باطن» (ابن منظور، لسان العرب، ۱۹۹۰: ۷۹/۱)؛ اما اطلاق حدیث فوق شامل بیماری‌های روحی و جسمی می‌شود. با توجه به اینکه احادیث دیگری در رابطه با تأثیر درمانی سوره حمد بر بیماری‌های خاص وجود دارد و به عبارت دیگر، اکثر مفسران به تأثیر آن اذعان دارند و نوعی شهرت یافته است، نمی‌توان تأثیر آن را نادیده گرفت.

چهار. شفا، مشروط به استفاده از دارو

برخی احادیث دیگر، ترکیبی از قرائت قرآن و دارو است. برای نمونه:

روزی جمعی اصحاب نشسته بودند، حضرت پیغمبر ﷺ وارد و سلام فرمود؛ جواب دادند؛ ایشان فرمود: می‌خواهید تعلیم نمایم شما را دوائی که جبرئیل مرا تعلیم نموده که محتاج به دوائی اطبا نبوده باشید؟ پس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و سلمان و دیگران سؤال نمودند که آن دوا چیست؟ حضرت

خطاب به امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: در ماه نیشان رومی، آب باران را می‌گیری و سوره حمد، آیه الكرسی، ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ...﴾، ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ...﴾، ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ...﴾ و ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ هر يك را هفتاد مرتبه می‌خوانی و هفتاد مرتبه الله اكبر، هفتاد مرتبه لا اله الا الله، و هفتاد مرتبه صلوات می‌فرستی و هفت روز صبح و عصر می‌آشامی. قسم به خدائی که مرا به راستی به خلق مبعوث فرموده، جبرئیل گفت: حق تعالی از کسی که این آب را بیاشامد، هر دردی را که در بدنش باشد، بردارد و عاقبت او را شفا بخشد « (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴: ۶۶/۴۷۷).

در این حدیث چند نکته قابل تأمل است. اول آنکه آیا تأثیر درمان در قرائت سوره است یا در آب نیشان؟ و اصل درمان بر کدام یک از آنهاست؟ دوم اینکه آیا هر کدام به تنهایی تأثیر می‌گذارند یا باید تلفیقی باشد؟ و نکته سوم آنکه در حدیث اشاره به درمان کل بیماری‌ها شده که قابل تأمل و دقت است.

شخصیت‌شناسی راویان خواص سوره

برخی از راویان، بیشترین حدیث را در حوزه خواص آیات و سوره در جسم را نقل نموده‌اند. برای آشنایی با آنها ضرورت دارد به شخصیت‌شناسی آنها از نگاه علماء رجال بپردازیم.

۱. ابوعصمه نوح بن ابی مریم مروزی

یکی از راویانی که احادیث فراوانی در رابطه با خواص سوره نقل نموده «ابوعصمه نوح بن ابی مریم مروزی» است. در کافی، تهذیب و وسائل الشیعه از «ابی‌عصمه قاضی مروی» روایاتی نقل شده است. در کتب رجالی هم نام «ابی‌عصمه قاضی مروی» آمده است و در کتاب نقد الرجال (تفرشی، ۱۳۷۷: ۱۹۳/۵) در ذیل «ابی‌عصمه» می‌نویسد: نام وی نوح بن ابی مریم بود؛ اما در متن آمده که مثلاً فلانی از ابی‌عصمه قاضی مروی حدیث نقل کرده است و سخنی بر مدح یا ذم او نیست (نمازی، مستدرکات علم رجال الحدیث، ۱۴۱۴: ۳۲/۲؛ خوئی، معجم رجال الحدیث، ۱۴۰۳: ۲۲۵/۳ و ۲۳۶/۴ و ۲۶۱/۲۲).

در درایه النور و نرم افزار رجال شیعه، «فرج بن ابی مریم» پیدا نشد؛ اما «نوح بن ابی مریم» با کنیه «ابی‌عصمه مروی» وجود دارد. در رجال الطوسی (۱۳۷۳: ۳۱۴) فقط آمده است که خراسانی بود. در کتاب نقد الرجال تفرشی (۱۳۷۷: ۱۹/۵)، در جامع الرواه اردبیلی (۱۴۰۳: ۲۹۶/۲)، در منتهی المقال فی احوال الرجال مازندرانی (۱۴۱۶: ۳۸۷/۱) آمده است: از ظاهر کلام شهید ثانی استفاده می‌شود که نوح بن ابی مریم از وضاعین بود. مجمع الرجال قهپایی (۱۳۶۴: ۱۸۳/۶) می‌گوید: ابی‌عصمه نوح بن ابی مریم خراسانی است و اشاره‌ای به مدح یا ذم او نشده است. مامقانی در تنقیح المقال فی علم الرجال (۱۴۳۱: ۲/۲۳) می‌نویسد: آن‌که به کذاب معروف بود، ابوعصمه نوح بن ابی مریم مروزی است.

محمدحسن مظفر در (۱۴۲۶: ۱۰۲/۴) کتاب «الإفصاح عن أحوال رواة الصحاح» می‌نویسد: نوح بن ابی مریم، أبو عصمة المروزی، عالم، قاضی مرو و از اهل سنت بود و حاکم گفته: حدیث فضائل القرآن را وضع کرده است و مسلم دارقطنی و ابی حاتم گفته‌اند: متروک است و نسائی او را ثقة نمی‌داند و می‌گوید: حدیث او نوشته نمی‌شود.

در نتیجه اسمی به نام «فرج بن ابی مریم» در کتب رجالی یافت نمی‌شود، اما «ابی عصمه مروزی» ذکر شده و همه رجالیان او را همان نوح بن ابی مریم دانسته‌اند که سنی مذهب و از سوی منصور دوانیقی قاضی مرو بوده است؛ در منابع شیعی مانند الکافی، دو حدیث از «ابوعصمه» آن هم در غیر از فضائل قرآن نقل کرده است و جالب اینکه در باب فضل القرآن، ده‌ها حدیث فضایل نقل شده، اما نامی از ابوعصمه در سند احادیث برده نشده است؛ همچنین در کتاب‌های تهذیب الاحکام و وسائل الشیعه از او یادی نمی‌شود. آیت‌الله معرفت در التفسیر الأثری الجامع (۱/۱۳۲) و تفسیر و مفسران (۲/۴۰) و نیز شارح درایة الحدیث شهید ثانی (۱۳۰۹: ۷۵-۷۱) و آیت‌الله خوئی او را ضعیف و مردود می‌شمارند. (البیان فی تفسیر القرآن، ۲۸). از طرف دیگر، علماء سنی اعتراف به جاعل و کذاب بودن او دارند و تصریح کرده‌اند که وی فضایل قرائت و حدیث خواص درمانی سُور را جعل نموده است (شهید ثانی، الرعایه، ۱۵۶؛ ابن اثیر، جامع الاصول، ۷/۶؛ ذهبی، میزان الاعتدال، ۴/۲۷۹؛ مازندرانی، منتهی المقال، ۶/۳۸۷؛ ابوحاتم بستنی، کتاب المجروحین، ۲/۴۸؛ ذهبی، المغنی فی الضعفاء، ۲/۴۶۷؛ هندی، تذکرة الموضوعات، ۸۲).

۲. محمد بن عکاشه

یکی دیگر از راویان فضایل سُور «محمد بن عکاشه» شافعی است که در برخی از اسناد، با پسوند «کرمانی» یا «الغنوی» و یا «کوفی» آمده است. بزرگان اهل تسنن او را متهم به کذب (ذهبی، تنقیح التحقيق فی احادیث التعلیق، ۱۴۲۱: ۱/۱۳۷؛ ابن حجر، لسان المیزان، ۱۳۹۰: ۵/۲۸۶؛ ابن جوزی، الموضوعات، ۱۳۸۶: ۳/۳۴) و جعل‌کننده حدیث می‌دانند (زیلعی، نصب الرایة، ۱۴۱۵: ۱/۵۳۲). در مقدمه وسائل الشیعه با نقل از سهل بن سری آمده است که محمد بن عکاشه کرمانی و جویباری و الفارابی بیش از ده هزار حدیث جعل کرده‌اند (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹: مقدمه/۴۵).

در نتیجه، اگر چه در مقدمه وسائل اشاره به ده‌ها هزار حدیث وضع از کرمانی شده؛ اما در منابع شیعی، از حدیث وی به شمارش انگشتان بیشتر استفاده ننمودند. در عین حال، اهل سنت از وی روایت بسیاری نقل نموده‌اند. همچنین عکاشه مجهول شمرده شده و جزء جعل‌کنندگان حدیث است و نمی‌توان به احادیث وی اعتماد و بدان‌ها استناد کرد (قطنی، الضعفاء و المتروکون، ۲۷۵؛ الذهبی، دیوان اسماء الضعفاء، ۳۶۵).

۳. احمد بن عبدالله جویباری

وی که یکی از روات اهل سنت است، مورد طعن علماء رجال آن‌ها قرار گرفته است. وی را کذاب (قاری، الأسرار المرفوعة فی الأخبار الموضوعة (الموضوعات الكبرى)، ۱۴۰۶: ۴۰۰)، واضع هزاران حدیث و گمراه‌کننده مردم از راه خدا (ابن جوزی، الموضوعات، ۱۳۸۶: ۹/۱) و دجال مطرح نموده‌اند و آورده‌اند: «أحمد بن عبد الله الجویباری و یقال الجویباری دجال وضع حدیثا کثیرا» (کنانی، تنزیه الشریعة المرفوعة عن الأخبار الشیعة الموضوعة، بی تا: ۲۸/۱). در نتیجه طبق نظر علماء رجال اهل سنت، او ثقة نیست و نمی‌توان به احادیث وی اعتماد کرد.

۴. حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی

ابن ابی حمزه بطائنی یکی از راویان در حوزه خواص سُور در بدن است. او در کتاب‌های رجالی شیعه کذاب و ملعون و مورد سرزنش واقع شده (کشی، رجال کشی، ۱۴۰۴: ۸۲۷/۲؛ این‌داود، الرجال ابن‌داود، ۱۳۴۲: ۴۴۰) و از بزرگان واقفیه بوده و روایات او متروک است (نجاشی، رجال النجاشی، ۱۳۶۵: ۲۱۶). علامه حلی می‌گوید: حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی کذاب و ملعون است و روایات زیادی دارد؛ اما من نقل یک حدیث از او را حلال نمی‌دانم (حلی، خلاصة الاقوال، ۱۴۱۱: ۲۱۲). اکثر روایات خواص سُور در کتاب ثواب الاعمال شیخ صدوق از طریق بطائنی نقل شده است. وی که به یاری پدرش از بنیانگذاران مذهب واقفی بود، کتابی به نام «فضائل قرآن» دارد که صدها حدیث درباره خواص درمانی سُور دارد (طوسی، فهرست، ۱۴۲۰: ۵۱). در نتیجه انحراف ابن ابی حمزه بطائنی، به سبب امامت بوده و ملعون و کذاب بودن او نیز مربوط به همین مقوله است. شیخ صدوق، فضائل سُور و مانند آن را که مربوط به انحراف او نمی‌شود، نقل کرده یا قبل از انحرافش بوده است.

۵. ابی بن کعب انصاری

بخشی از روایات خواص و فضائل قرآن از ابی بن کعب انصاری نقل شده است. در منابع شیعی روایات محدودی از او وجود دارد، و بزرگان علم رجال، وی را از اصحاب رسول خدا و از کاتبان وحی دانسته‌اند (حلی، خلاصة الاقوال، ۱۴۱۱: ۲۲/۱).

در عین حال، شوکانی می‌گوید:

هیچ اختلافی بین حفاظ نیست که احادیث خواص سُور جعلی است و برخی از مفسران چون ثعلبی و واحدی و زمخشری فریب آن را خورده و نقل کرده‌اند، به جهت آنکه آنان حدیث‌شناس نبوده‌اند (شوکانی، الفوائد المجموعة فی الاحادیث الموضوعة، ص ۲۹۶).

ابن جوزی اشاره می‌کند:

از ثعلبی و واحدی - چون حدیث شناس نبوده‌اند - تعجیبی نیست؛ بلکه شگفتی از ابوبکر بن ابی داود است؛ با آنکه می‌دانسته احادیث فضائل و خواص سُور مجعول است، آن را در کتاب خود در فضائل قرآن نقل کرده است (ابن جوزی، الموضوعات، ۱۳۸۶: ۲۴۰/۱).

شبیبه این کلام را محمد طاهر هندی نیز دارد (الهندي الفتی، تذكرة الموضوعات، ۱۳۴۳: ۸۲).

آنچه مطرح شد افرادی بودند که بیشترین احادیث را در رابطه با تأثیر سوره‌ها و آیات در بدن، نقل کرده‌اند که از منظر رجالی قابل اعتماد و ثقه نبودند.

(د) تحلیل و بررسی سند دلالت احادیث

احادیث تأثیر سُور بر جسم در منابع روایی و تفسیری وجود دارد و برخی از علما سند و دلالت پاره‌ای از آن‌ها را پذیرفتند و بعضی دیگر را رد نموده‌اند. در ادامه به تحلیل همه جوانب خواص قرآن پرداخته و دلالت و سند روایات بررسی می‌شود.

۱. تردید علما

اکثر علما و دانشمندان با نگاه تردید به این احادیث نگریسته‌اند و سند اکثر آن‌ها را قابل خدشه می‌دانند. علامه مجلسی رحمته‌الله معتقد است اشاره به خواص سُور و آیات به‌علت تمام نبودن سند، لطمه به شأن و جایگاه قرآن می‌زند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۰۴). علامه خوبی معتقد است: «برخی از این احادیث دسیسه راویان کذاب است» (خویی، ۱۴۰۱: ۲۸). از طرف دیگر، لازم است بین تلاوت و پاداش و آثار، از نظر عقلی رابطه منطقی وجود داشته باشد. این که در روایت آمده «کسی سوره یس را بخواند تمام بیماری‌های او درمان می‌شود» (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴: ۲۴۰/۸۱) چه رابطه معقولی برای آن قابل بیان است؟ برخی دانشمندان اهل تسنن مانند: ابن جوزی (ابن جوزی، الموضوعات، ۱۳۸۶: ۲۴۰/۱)، قرطبی (قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱۴۱۸: ۷۸/۱)، سیوطی (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۴۱۷: ۲۲۷/۱) و... نسبت به آن‌ها تردید کردند. بعلاوه، کسانی که به جعل حدیث خواص دست زدند مانند: ابوعصمت فرج بن ابی مریم مروزی (بخاری، ۱۴۰۱: ۷۸/۱)، علی بن ابی حمزه بطائنی (طوسی، ۱۴۱۷: ۵۱) و احمد بن عبدالله جویری (خویی، ۱۴۰۱: ۲۸) به تحریف و جعلی بودن آن اقرار کردند. درست است برخی از احادیث در معرض جعل جاعلان قرار گرفته است و راویان کذاب آن را نقل نموده‌اند؛ اما باید به احادیث صحیح هم توجه شود که علما به آن‌ها عمل نمودند و دارای شهرت روایی هستند.

۲. پذیرش برخی علما

برخی از علما با توجه به حدیث «مَنْ بَلَغَ» (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴: ۲۶۵/۲۲) و ادله تسامح (خویی، مصباح الاصول، ۱۴۱۲: ۳۱۸/۲) احادیث خواص سُور را پذیرفته‌اند. برای نمونه، امام صادق علیه السلام فرمودند: «هر کس ثوابی را برای انجام دادن عملی بشنود و آن عمل را انجام دهد، ثواب از آن او خواهد بود، هر چند شنیده او مطابق با واقع نباشد» (کلینی، الکافی، ۱۳۲/۲). آن‌ها معتقدند خداوند در مستحبات از باب تفضل، این ثواب‌ها را تقدیم می‌کند (جوهری، ۱۳۸۵: ۲۱). مرحوم کلینی، سید مرتضی، شیخ صدوق و شیخ طوسی احادیث فضائل و درمان را پذیرفته‌اند و با وجود این، ادعای تمام بودن سند همه احادیث را نکرده‌اند (بستانی، اعتبار سنجی روایات فضائل، ۱۸-۱۹ به نقل از مهذب الدین بصری، ۱۴۲۲: ۵-۶). طبرسی برخی از احادیث را مسند می‌داند (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۹۵: ۳۵۱/۶) و محمدتقی مجلسی احادیث خواص را می‌پذیرد و همانند «إِنْ ضَرَبَهُ عَلِيٌّ عليه السلام أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» می‌داند (مجلسی، روضة المتقين، ۴۰۴/۱۴). برخی از مفسران با توجه به احادیث خواص سور، قرائت و تبرک و حتی همراه داشتن آن را مایه شفا و درمان جسم می‌دانند (طوسی، التبیان، بی‌تا: ۵۱۳/۶؛ طباطبایی، المیزان، ۱۳۶۶: ۲۵۵/۱۳). جوادی آملی شفای جسمی از قرآن و سوره حمد را مجرب و قطعی گرفته است (جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ۱۳۸۱: ۲۶۳/۱؛ طیب، تفسیر اطیب البیان، ۱۳۷۸: ۵۸/۱). رازی نیز سوره حمد را سوره شفا می‌داند و معتقد است «که با آن می‌توان بیماری‌های سم و صرع را درمان کرد» (ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان، ۱۳۷۱: ۳۳/۱). با وجود ضعف سندی و تردید برخی از اندیشمندان، التزام و پذیرش برخی دیگر از حدیث شناسان و مفسران به این‌گونه روایات را نمی‌توان نادیده گرفت.

۳. اعتراف جااعلان حدیث

در رابطه با احادیث تأثیر سُور، اعتراف جااعلان به جعل حدیث قابل توجه است و برخی از آنان، جعل خود را در راستای هدایت مردم به سوی قرآن توجیه کرده‌اند. برای نمونه، ابن جوزی می‌نویسد:

از مؤمل بن اسماعیل روایت شده است که گفت: شیخی مرا روایت کرد به فضایل سوره‌های قرآن که از ابی بن کعب رسیده. گفتم: چه کسی تو را حدیث نمود؟ پاسخ داد: مردی در مدائن که در قید حیات است. آنجا رفتم و پرسیدم: چه کسی تو را حدیث نمود؟ گفت: شیخی در واسط که زنده است. به واسط رفتم. گفت: شیخی در بصره. به بصره نزد او رفتم، گفت: شیخی در عبادان. نزد او رفتم. او دست مرا گرفت و وارد منزلی کرد که در آنجا گروهی از صوفیان به همراه شیخی

بودند؛ گفت: این شیخ مرا حدیث نموده است. به آن شیخ گفتم: چه کسی تو را حدیث نمود؟ گفت: هیچ کس، ما دیدیم مردم از قرآن روی گردانند، این‌ها را وضع نمودیم تا قلب‌هایشان جذب قرآن شود» (ابن جوزی، الموضوعات، ۱۳۸۳: ۲۴۱/۱).

در نقل دیگری آمده که به میسر بن عبد ربه گفتند: این احادیث را از کجا آورده‌ای؟ گفت: «وضعته أرغب الناس فيه»؛ آن‌ها را برای تشویق مردم به قرآن درست کردم (امینی، الغدير، ۱۳۸۷: ۲۶۸/۵).

امینی می‌نویسد: ابو عصمه (م ۱۷۳) که وی را کذاب معرفی کردند و در فضایل قرآن ۱۴۰ حدیث جعل کرده است (همان، ۲۶۹) چنین می‌گوید:

من دیدم مردم از قرآن اعراض کرده و سرگرم به فقه ابوحنیفه و مغازی محمد بن اسحاق شده‌اند، از این رو این روایات را به‌عنوان عمل خداپسندانه ساختم! (همان، ۲۷۵).

قرطبی (محمد بن احمد انصاری قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱۴۱۷: ۷۸/۱) اشاره به اعتراف آن‌ها در جعل حدیث دارد و می‌گوید: هرچند قصد آن‌ها از جعل حدیث، خوب بوده، اما عمل آن‌ها کذب و افترا بر پیامبر ﷺ است.

۴. رابطه قرائت سوره و شفاء دردها

برخی‌ها برای رد احادیث خواص سُور به عدم رابطه بین قرائت قرآن و شفا درد می‌پردازند و معتقدند احادیث خواص سُور از محتوای غیر معقول و غیر منطقی برخوردار است و نمی‌توان بین قرائت، ثواب، آثار و درمان، رابطه معقولی ترسیم کرد. برای نمونه، نقل شده: «کسی سوره یس را بخواند تمام بیماری‌های او درمان می‌شود» (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴: ۲۴۰/۸۱) یا «کسی سوره حمد را بخواند تمامی بیماری‌هایش درمان می‌شود» یا آنکه هیچ مریضی نیست که سوره یس را بخواند، مگر آنکه خوب شود (ابن بابویه، ثواب العمال، ۳۰۱)؛ چه رابطه‌ای بین قرائت سوره و درمان کل بیماری‌ها وجود دارد؟ محمد تقی مجلسی از استاد خود شیخ بهایی نقل می‌کند:

ما یقین داریم که امثال این روایت دروغ می‌باشند؛ زیرا وقتی یک حدیث می‌گوید ثواب اطعام یک مؤمن، ثواب هزار هزار حج است، دیگر ارزشی برای حج باقی نمی‌ماند (مجلسی، روضة المتقین، ۴۰۴/۱۴)؛

اما خود محمد تقی مجلسی به احادیث فضایل و خواص اعتقاد دارد و پاسخ استاد خود را می‌دهد (همان).

برای بررسی بیشتر چند حدیث نقل و نقد می‌شود:

حدیث (۱):

عن اسماعیل بن ابان یرفعه الی النبی قال: قال رسول الله لجابر بن عبد الله: یا جابر! ألا أعلمک أفضل سورة أنزلها الله فی کتابه؟ قال: فقال جابر: بلی بأبی أنت و امی یا رسول الله علمینها؛ قال: فعلمه الحمد لله امّ الكتاب؛ قال: ثم قال له: یا جابر ألا أخبرک عنها؟ قال: بلی بأبی أنت و امی فاخبرنی، قال: هی شفاء من کلّ داء الاّ السّام یعنی الموت؛ رسول اکرم به جابر فرمود: آیا بهترین سوره ای را که خدا در کتابش فرستاده به تو بیاموزم؟ جابر گفت: بلی! پدر و مادرم فدای تو باد! یا رسول الله! به من بیاموز! پس رسول اکرم ﷺ سوره حمد را که ام کتاب است به او آموخت. سپس فرمود: ای جابر! دوست داری از ویژگی آن برای تو بگویم؟ گفت: بلی! پدر و مادرم فدای تو باد. حضرت فرمود: این سوره شفای هر درد و بیماری است جز مرگ». (عیاشی، تفسیر عیاشی، ۱۴۱۱: ۲۰/۱؛ البرهان، ۱۴۱۱: ۹۸/۱).

در سند حدیث فوق اسماعیل بن ابان در منابع رجالی مجهول و ضعیف است (مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، ۱۴۳۱: ۱۴۲۴/۹). در رجال الطوسی (طوسی، ۱۳۷۳: ۱۶۷)، رجال برقی (برقی، ۱۳۷۱: ۲۸) و معالم العلماء (ابن شهر آشوب، ۱۳۵۳: ص ۹) نام وی را بدون مدح و ذم آورده اند و برخی نیز وی را متروک و متهم به وضع حدیث یاد کرده اند (استرآبادی، منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال، ۱۴۲۲: ۳۰۲/۲). صاحب تنقیح المقال فی علم الرجال (مامقانی، ۱۴۳۱: ۳۵۱/۹) می گوید: ابن حجر از علمای اهل سنت، در ضمن یادآوری متروک و متهم بودن به کذب اسماعیل بن ابان، او را ثقه دانسته است؛ صاحب تنقیح المقال نتیجه می گیرد که به نظر می رسد وی از اهل سنت و فاسد العقیده بوده باشد. همچنین، علاوه بر خبر واحد، سلسله سند آن مشخص نیست و حدیث مرفوع است.

اما، این حدیث از طریقی دیگر غیر از روش تصحیح سند، همچون تعاضد با سایر روایات مشابه و شهرت عملی در رابطه با استشفاء به سوره حمد می توان تقویت نمود و به آن ملتزم بود.

حدیث (۲):

عن عمرو بن جمیع رفعه الی علی قال: قال رسول الله: من قرأ اربعین آیات من اول البقره و آیه الكرسي و آیتین بعدها، و ثلاث آیات من آخرها لم یر فی نفسه و أهله و ماله شیئا یرکهه، و لا یرکهه الشیطان و لم ینس القرآن؛ از پیامبر خدا ﷺ روایت شده که فرمود: هر کس چهل آیه از اول سوره بقره، آیه الكرسي، دو آیه بعد از آن و سه آیه از آخر آن سوره را بخواند، هرگز در خود و خانواده و مال خود بدی و ناراحتی نبیند و شیطان به او نزدیک نمی شود و هرگز قرآن را فراموش نمی کند (عیاشی، تفسیر عیاشی، ۱۴۱۱: ۲۵/۱).

یکی از روایان حدیث مزبور «عمرو بن جمیع» است و اهل حدیث او را در ردیف روایان مجهول و روایت او را ضعیف دانسته و بتری مذهب معرفی کرده‌اند (نجاشی، رجال النجاشی، ۱۳۶۵: ۲۸۸؛ طوسی، رجال الطوسی، ۱۳۷۳: ۱۴۲؛ حلی، خلاصة الاقوال، ۱۴۱۱: ۲۴۱، ابن داود، رجال ابن داود، ۱۳۴۲: ۴۸۸؛ نقد الرجال، ۳/۳۲۸؛ اردبیلی، جامع الرواة، ۱۴۰۳: ۶۱۸/۱). این روایت به صورت مرفوع نقل شده و سلسله سند مشخصی ندارد. هر چند شیخ صدوق این روایت را نیز نقل کرده (شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ۱۳۶۳: ۱۰۴/۱)، اما، نام «علی» در متن حدیث، مجهول است؛ گفتنی است: با وجود ضعف سند، روایت مزبور به صورت متفرق در ابتدا و انتهای تفسیر سوره‌های قرآن در کتاب‌های کشف، انوار التنزیل، مجمع البیان، جوامع الجامع، الدر المنثور، نور الثقلین، روض الجنان، کنز الدقائق، مصباح کفعمی، مستدرک الوسائل و... نقل شده و این موجب شهرت روایی شده است.

در احادیث دیگر نیز در سند آن‌ها با «روی عن النبی...» (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۲: ۲۶۹/۱؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹: ۸۷۴/۴) و به صورت مرسل مطرح شده که نمی‌توان به آن‌ها اطمینان کرد. قرطبی (الجامع لاحکام القرآن، ۱۴۱۷: ۷۹/۱)، شهید ثانی (شہید ثانی، الرعیة فی علم الدرایة، ۱۴۰۸: ۱۵۷)، سیوطی (سیوطی، اللئالی المصنوعة، ۱۴۱۷: ۲۲۷/۱) و ابن صلاح (ابن صلاح، مقدمه، ۱۴۱۶: ۵۹). هر کدام به مجعول بودن آن تصریح نموده‌اند. مثلاً برخی از این روایات در کتاب ثواب الاعمال با عنوان «عن رجل» می‌باشد (شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ۱۳۶۳: ۱۰۴) و نیز کتاب خواص القرآن نیز که بحرانی در البرهان فراوان از آن نقل می‌کند، اصل و مؤلف آن معلوم نیست. مرحوم علامه تهرانی چند کتاب به این نام نقل کرده (الذریعة، ۱۴۳۰: ۲۷۳/۷) است که مشخص نیست منظور بحرانی، کدام یک از آن‌ها بوده است؟ آنچه لازم است به آن توجه شود، تفکیک امور معنوی با مادی است. اگر در مسایل مادی بین علت و معلول رابطه معقولی وجود داشته باشد؛ اما نمی‌توان آن را به امور معنوی سرایت داد. در امور معنوی مانند دعا و تأثیر آن در درمان بیماری‌های لاعلاج و یا قرائت سوره حمد و تأثیر آن در درمان بیماری‌ها قابل مقایسه با امور مادی نیست. صاحب روضه المتقین در رد کسانی که ادعای عدم وجود ارتباط بین ثواب و عمل دارند به حدیث «ان ضربه علی (علیه السلام) افضل من عبادة الثقلین الی یوم القیامة» استناد می‌کند و می‌نویسد: در حدیث یک ضربت امام علی (علیه السلام) را بالاتر از عبادت جن و انس تا روز قیامت می‌داند، آیا می‌توان از منظر عقل رابطه منطقی بین آن دو ترسیم کرد؟ (مجلسی، روضة المتقین، بی تا: ۴۰۴/۱۴). در نتیجه برداشت برخی‌ها به عدم رابطه منطقی در خواص سُور، صحیح نیست.

۵. قرائت سوره، اقتضاء درمان یا علت

از مطالب برخی‌ها استفاده می‌شود که این احادیث از باب اقتضاء است نه از باب علیت. کسانی که به قرائت سوره‌ها اقدام نمایند تا بر بیماری‌ها شفا یابند، باید به این نکته توجه داشته باشند که تلاوت قرآن برای درک و فهمیدن؛ فهمیدن برای تفکر و اندیشیدن؛ اندیشیدن برای عمل است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۶۸: ۶۱/۱). راغب اصفهانی می‌گوید: تلاوت، مفهومی بالاتر از مفهوم قرائت دارد و با یک نوع تدبیر و تفکر و عمل همراه است (راغب اصفهانی، مفردات، ۱۳۶۲: ذیل واژه تلاوت) و از طرفی، شرط استفاده از شفای قرآنی، اخلاص و تسلیم در برابر قرآن می‌باشد. کارل یونگ روانکاو می‌گوید: «کسانی که فاقد ایمان و دین هستند؛ قربانی بیماری روانی می‌شوند» (نجاتی، قرآن و روان‌شناسی، ۱۳۶۷: ۳۶۵). بنابراین، این احادیث به شرط ایمان، دارای آثار است. ابن‌قیم در کتاب خود، زاد المعاد می‌گوید:

این قرآن شفای کاملی برای همه دردهای روحی، جسمی و جمیع بیماری‌های دنیوی و اخروی است؛ ولی هر کسی شایسته این کار نیست و همه از مداوای با قرآن شفا نمی‌یابند؛ چنانچه یک بیمار به درستی از شفای قرآن استفاده کند و قرآن را با صداقت و ایمان بپذیرد و در حالی که آن را به صورت مطلق قبول داشته و به آن اعتقاد جازم دارد، جمیع شروط مداوا را نیز رعایت کند، بیماری‌اش به هیچ‌وجه نمی‌تواند در برابر قرآن مقاومت کند. چگونه بیماری‌ها در برابر کلام پروردگار آسمان‌ها و زمین مقاومت می‌کنند؟ کلامی که اگر بر کوه نازل می‌شد، آن را از جا می‌کند و یا اگر بر زمین نازل می‌شد، آن را قطعه قطعه می‌کرد. پس هیچ بیماری، چه جسمی و چه روحی، وجود ندارد مگر اینکه قرآن آن را مداوا می‌کند و شفا می‌بخشد. کسی که قرآن او را شفا ندهد، خدا نیز او را شفا نمی‌دهد و کسی که قرآن برای او کفایت نکند، خدا نیز برایش کفایت نمی‌کند (مجلسی، زاد المعاد، ۱۴۲۳: ۳۵۲/۴).

حدیثی از امام علی علیه السلام نقل شده که ایشان صرف قرائت بدون اعتقاد و ایمان رارد می‌کند و می‌فرماید: فَمَنْ قَرَأَهَا مَعْتَقِدًا لِمَوْلَاةٍ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ. مَنْقَادًا لِمَرْهَا مَوْمِنًا بظَاهِرِهَا وَبِاطْنِهَا. اعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ حَرْفٍ مِنْهَا أَفْضَلَ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا وَمِنْ أَصْنَافِ أَمْوَالِهَا وَخَيْرَاتِهَا؛ وَبِهِ مُحَمَّدٌ وَدُوسْتِي أَهْلُ بَيْتٍ أَوْ اعْتِقَادٌ دَاشْتَه بَاشِدْ وَإِيْمَانٌ قَلْبِي وَظَاهِرِي بِهِ إِشَان دَاشْتَه بَاشِدْ، خَدَاوْنِدْ بَه إِزَايْ هِرْ حَرْفِيْ إِزْ أَنْ سُوْرَه، پَدَاشْ وَثَوَابِيْ بَهْتَرِ إِزْ دُنْيَا وَآنْچَه إِزْ مَالِهَا وَخَوْبِيْهَا دَرْ أَنْ اسْتِ بَهْ أَوْ مِيْ دَهْدْ (بحرانی، تفسیر البرهان، ۱۳۳۴: ۱۰۴/۱).

بنابراین، تأثیر سُور در برخی درمان بیماری‌ها، مشروط به ایمان و اخلاص از باب اقتضاء بوده و بی‌اعتقادی، کفر و نفاق، مانع بزرگی در بهره‌گیری از خواص سُور است؛ اما برخی از تأثیرات قرائت قرآن، عمومی و نیازی به اعتقاد نیست و تأثیر وضعی دارد و دامنه آن محدود است.

۶. تأثیر قرائت سوره‌ها بر جسم از منظر علمی

از برخی تحقیقات دانشمندان و دانشجویان استفاده می‌شود که قرائت و تلاوت سُور بر جسم و روح تأثیر دارد و قرائت سُور را همانند دارو برای بیمار می‌دانند (اردبیلی و همکاران، مجله پژوهشی شفای خاتم، ۱۳۹۷: ش ۲؛ جعفری و همکاران، مجله پژوهشی تعالی بالینی، ۱۳۹۵: ش ۲). دانشمند سوری با نام «عبدالداثم الکحیل» تحقیقاتی در راستای تأثیر صوت قرآن بر اعصاب و بدن دارد (www.kaheel7.com/fa). برخی‌ها با تحقیق میدانی به این نتیجه رسیده‌اند که شنیدن قرائت قرآن بعد از عمل جراحی بر کاهش دردهای جسمی مؤثر است (نصر آبادی، استعانت از قرآن کریم در شفای جسمانی، ۱۳۷۸). دانشمندان معتقدند: «صوت قرآن تغییراتی فیزیولوژیکی در سیستم عصبی انسان ایجاد می‌کند و سبب آزادسازی آندروفین در بدن می‌شود» (پایگاه میدل ایت آن لاین). در سایت ابنا آمده است: «دانشمندان آمریکا با اتصال تجهیزات پزشکی بر روی مجموعه تعدادی غیر مسلمان که برخی از آن‌ها از بیماری‌های روانی در رنج بودند، پس از گذشت مدتی از تلاوت قرآن، دستگاه‌های روان‌سنجی که به مغز آن‌ها متصل بود، نشان از کاهش فشارهای روانی بر روی این افراد و اثر شگرف بر حالت مزاجی، کاهش استرس و اضطراب آن‌ها داشت. ضمن اینکه هیچ کدام از آن‌ها مسلمان نبودند» (سایت ابنا) پروفیسور وان درهون هلندی، متخصص روان‌شناسی در تحقیقات سه ساله خود می‌نویسد: «ذکر نام جلاله خداوند و قرائت قرآن کریم در سلامتی انسان تأثیر مثبت دارد» (نشریه خبر رسانی اخبار ملل، شماره ۱۷: ۸۳). در تحقیقاتی که در دانشگاه مشهد روی چند زن باردار صورت گرفته، به این نتیجه رسیده‌اند که «آوای قرآن سبب کاهش درد زایمان و کوتاهی مدت زایمان، کاهش اضطراب قبل از زایمان و تحریک تخمگذاری در زنان نابارور و... می‌شود» (تأثیر آوای قرآن، مجله اصول بهداشت روان، ش ۳، ۱۳۸). بنابراین، محققان تأثیر قرائت و آوای قرآن را بر برخی از بیماری‌ها به اثبات رساندند و به داشتن ایمان و اعتقاد و مسلمان بودن مشروط نشده است. از نتایج تحقیقات آن‌ها استفاده می‌شود که تأثیر قرائت در برخی از بیماری‌های بدن از یک بُعد، جنبه عمومی دارد و تأثیر در بدن تمام افراد (مسلمان و غیر مسلمان) می‌گذارد.

۷. قرائت سوره همراه با طیب و دارو

از تاریخ و احادیث استفاده می‌شود که پیامبران در مواجهه با بیماران، به جای تعلیم قرائت سور، آن‌ها را به پزشک معرفی می‌کردند (الاشقر، مدی الاحتجاج بالاحادیث النبویه، فی الشئون الطیبیه و العلاجیه، ۱۹۹۳: ۳۰-۳۶). برای نمونه، سعد بن ابی وقاص می‌گوید: وقتی بیمار شدم، پیامبر ﷺ به عیادت من آمدند و توصیه نمودند که نزد پزشک حاذق با نام حارت بن کلدۀ ثقفی مراجعه نمایم

(سلیمان، سنن ابی داود، ۱۴۲۱: ۲۲۳/۲). در حدیث دیگری که برای عیادت بیماری رفته بودند، به صراحت آمده «ألا ندعوك طبيبا»؛ آیا طبیعی را دعوت کنم (الخطیب البغدادی، تاریخ بغداد، ۱۴۱۷: ۳۲۶/۶). در مواقعی، اصحاب نسبت به دعوت طبیب اعتراض داشتند؛ اما پیامبر ﷺ اصرار بر آمدن طبیب داشتند، و فرمودند: خدا هیچ مرضی را نازل نکرد، مگر آنکه داروی آن را نازل کرده است. «ما انزل الله من داء الا انزل له شفاء» (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴: ۷۰/۵۹). در حدیثی نقل شده که «یکی از پیامبران برای بیماری خود از طبیب و دارو استفاده نکرد و معتقد بود که خدا شفاء می‌دهد؛ اما خداوند وحی کرد، شفایت نمی‌دهم مگر آنکه خود را با دارو درمان نمایی» (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴: ۲۱۱/۸۱). از تاریخ نیز استفاده می‌شود که امام علی (علیه السلام) بعد از ضربت خوردن در شب قدر از طبیب یهودی (سپهر، ناسخ التواریخ، ۱۳۸۰: ۲۸۶/۴) استفاده کردند. برخی از احادیث به صراحت اشاره به ترکیب قرائت و دارو دارد و پیامبر ﷺ داروی آب نیسان با قرائت سوره حمد و... را برای درمان بیماری تجویز نموده است (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴: ۶۶، ۴۷۷). علاوه بر آن، اسلام به دانش طب و فراگیری آن اهمیت داده (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴: ۲۲۰/۱) و امامان معصوم: در درمان برخی بیماران، به داروهای طبیعی ارجاع می‌دادند (طب الصادق؛ طب الرضا؛ طب النبوی، ذهبیه). بر این اساس، از برخی احادیث استفاده می‌شود که تأثیر سوره بر بیماری‌ها همراه با استفاده از اسبابی مانند دارو محقق می‌شود و این مطلب نفی‌کننده دعا درمانی و خواص سوره نیست. از این رو، یکی از راه‌های درمان (نه تمام راه‌ها) استفاده از دارو در کنار قرائت قرآن است.

نتیجه

۱. احادیث خواص سوره در درمان بیماری‌ها در مجامع روایی و تفسیری وجود دارند. اکثر راویان آن‌ها مورد اعتماد علماء رجال قرار نگرفته‌اند؛ حتی برخی از آن‌ها اعتراف به جعل احادیث به خاطر ترغیب مردم به قرائت قرآن و قرب الی الله نمودند؛ اما در مقابل، برخی از احادیث صحیح و مورد اعتماد علما و دارای شهرت روایی می‌باشند. و نمی‌توان به صورت موجه کلیه آن‌ها را رد نمود. به صورت موجه جزئیة برخی از آن‌ها صحیح می‌باشند؛ هر چند خبر واحد محفوف با قرائن، قابل قبول است.

۲. قرائت سوره در درمان برخی از بیماری‌ها، مشروط به ایمان و خلوص است. بی‌اعتقادی، کفر و نفاق، مانع بزرگی در بهره‌گیری از خواص سوره می‌باشد. در مقابل، برخی از دانشمندان اعتراف به تأثیر قرائت قرآن در بدن، بدون داشتن ایمان، دارند. این تأثیر در محدوده برخی از بیماری‌ها و تأثیرات وضعی می‌باشد؛ اما نمی‌توان آن را تعمیم داد.

۳. در پاسخ کسانی که ادعای عدم رابطه منطقی بین قرائت و درمان و ثواب در احادیث دارند باید گفت: بسیاری از پدیده‌های تکوین با یکدیگر داد و ستد و تأثیر و تأثر دارند و نمی‌توان امور معنوی را به دور از امور مادی لحاظ کرد و هیچ آزمایشگاهی نیز تأثیرات امور معنوی را رد نکرده است. با این وجود، نباید رابطه سبب و مسبب در امور معنوی را با امور مادی مقایسه کرد. در امور معنوی مانند دعا و تأثیر آن در درمان بیماری‌های لاعلاج و با قرائت سوره حمد و تأثیر آن در درمان بیماری‌ها قابل مقایسه با امور مادی نیست. در برخی از موارد با تلاوت بسم الله، بیماران لاعلاج درمان می‌شوند و عقول بشری از درک آن عاجز است. همچنین در مورد قرائت سُور در کنار دارو باید گفت: استفاده از دارو به‌عنوان اسباب همراه با دعا و سُور، یکی از راه‌های درمان است و نفی‌کننده خواص سُور به‌تنهایی نیست.



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن جوزی، عبدالرحمن، الموضوعات، مدینه: صاحب المكتبة السلفية بالمدينة، ۱۳۸۶ق.
۳. ابن حجر، احمد، لسان المیزان، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۳۹۰ق.
۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، معالم العلماء، تهران: اقبال، ۱۳۵۳ق.
۵. ابن صلاح، عثمان بن عبدالرحمن، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق.
۶. ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۷. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۹ق.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.
۹. ابوالفتح رازی، روض الجنان و روح الجنان، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱ش.
۱۰. ابوداود، سلیمان اشعث، سنن أبی داود، قاهره: جمعیة المکنز الاسلامی، ۱۴۲۱ق.
۱۱. اردبیلی، رستمی، کاظمی، «هم‌بسته‌های الکتروفیزیولوژیک شنیدن تلاوت قرآن کریم»، مجله پژوهشی شفای خاتم، شماره دوم، ۱۳۹۷ش.
۱۲. اردبیلی، محمد بن علی، جامع الرواة و ازاحة الاشتباهات عن الطرق و الأسناد، بیروت: دارالأضواء، چاپ اول، ۱۴۰۳م.
۱۳. استرآبادی، محمد بن علی، منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال، قم: مؤسسة آل البيت: لإحياء التراث، ۱۴۲۲ق.
۱۴. الاشقر، مدى الاحتجاج بالاحادیث النبویه، فی الشئون الطبیة و العلاجیه، عمان: دارالنفائس، ۱۹۹۳م.
۱۵. امینی، عبدالحسین، الغدير، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۳۸۷ق.
۱۶. آقا بزرگ طهرانی، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، تصحیح: العاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۳۰ق/۲۰۰۹م.
۱۷. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالهادیة، ۱۴۱۲ق.
۱۸. بخاری، محمد بن اسماعیل، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
۱۹. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم: دارالکتب الإسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۷۱ق.
۲۰. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.

۲۱. تبریزی، جواد، الموسوعة الرجالية، قم: دارالصدیقة الشهيدة (ع)، ۱۴۲۹ق.
۲۲. تفرشی، مصطفی بن حسین، نقد الرجال، قم: مؤسسة آل البيت: لإحياء التراث، ۱۳۷۷م.
۲۳. جعفری، عبدلی نژاد، نسامی، «تأثیر آوای قرآن و موسیقی مذهبی بر سلامت جسم و روان»، مجله پژوهشی تعالی بالینی، شماره ۲، ۱۳۹۵ش.
۲۴. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم: نشر اسراء، چاپ سوم، ۱۳۸۱ش.
۲۵. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم. فطرت در قرآن، تنظیم و ویرایش: مصطفی پور. قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸ش.
۲۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسة آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
۲۷. حلی، حسن بن یوسف، خلاصة الاقوال، قم: دارالذخائر، ۱۴۱۱ق.
۲۸. الخطیب البغدادی، تاریخ بغداد أو مدينة السلام، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۲۹. خویی، سید ابوالقاسم، مصباح الاصول، قم: مکتبه الداوری، ۱۴۱۲ق.
۳۰. خویی، سید ابوالقاسم، معجم الرجال الحدیث، بیروت: بی نا، ۱۴۰۳ق.
۳۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ش.
۳۲. ذهبی، تنقیح التحقیق فی أحادیث التعلیق، الرياض: دارالوطن، ۱۴۲۱ق.
۳۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن. تهران: المکتبة المرتضویة، چاپ دوم، ۱۳۶۲ش.
۳۴. رفیعی محمدی، ناصر، درس نامه وضع حدیث، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴ش.
۳۵. زرکشی، محمد بن بهادر، بالبرهان، بیروت: دارالمعرفة، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۳۶. زیلعی، جمال الدین، نصب الراية، القاهرة: دار الحدیث، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۳۷. سپهر، محمدتقی بن محمدعلی، ناسخ التواریخ، تهران: اساطیر، ۱۳۸۰ق.
۳۸. سیوطی جلال الدین، اللئالی المصنوعة فی الأحادیث الموضوعة، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق.
۳۹. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، قم: منشورات رضی، ۱۳۶۳ش.
۴۰. سیوطی، جلال الدین، درالمنثور فی تفسیر المأثور، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۴۱. شهید ثانی، زین الدین بن نورالدین علی، الرعاية فی علم الدراية، قم: مکتبة آية الله المرعشی، ۱۴۰۸ق.
۴۲. صانعی، مهدی، پاکیزگی و بهداشت در اسلام، قم: بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
۴۳. صدوق، محمد بن علی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه: علی اکبر غفاری، کتابخانه صدوق، ۱۳۶۳ق.
۴۴. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه: موسوی همدانی، قم: انتشارات جامعه مدرسین، چاپ سوم، ۱۳۶۶ش.

۴۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران: مكتبة الاسلاميه، چاپ پنجم: ۱۳۹۵ق.
۴۶. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، بی تا.
۴۷. طوسی، رجال الطوسی، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۳۷۳ق.
۴۸. طوسی، محمد بن حسن، فهرست كتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الأصول، قم: مكتبة المحقق الطباطبائي، ۱۴۲۰ق.
۴۹. طیب، سيد عبدالحسين، اطيح البيان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۸ش.
۵۰. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۱ق.
۵۱. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب (التفسیر الكبير)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۱۷ق.
۵۲. قاری، علی، الأسرار المرفوعة فی الأخبار الموضوعة (الموضوعات الكبرى)، بیروت: المكتبة الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
۵۳. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب اسلامیه، چاپ هفتم، ۱۳۷۵ش.
۵۴. قرطبی، عبدالله محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
۵۵. قهپایی، عنایة الله، مجمع الرجال، قم: اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۳۶۴ش.
۵۶. کنانی، علی، تنزیه الشریعة المرفوعة عن الأخبار الشنیعة الموضوعة، مصر: مكتبة القاهرة، چاپ اول، بی تا.
۵۷. کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۵۸. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۵۹. مازندرانی حائری، محمد بن اسماعیل، منتهی المقال فی أحوال الرجال، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۶ق.
۶۰. مامقانی، محی الدین، تنقیح المقال فی علم الرجال، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۳۱ق.
۶۱. المتقی الهندی، علاء الدین علی بن حسام الدین، کنز العمال، تحقیق: حیانی، صفوة السقا، بی جا: مؤسسة الرسالة، چاپ پنجم، ۱۴۰۱ق.

۶۲. مجلسی، محمدباقر، زاد المعاد، تهران: جلوه کمال، بیروت: موسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۳ق.
۶۳. مجلسی، محمدتقی، روضة المتقین، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشان پور، بی تا.
۶۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۶۵. مجموعه چکیده ۴۰ سخنرانی، همایش نقش دین در بهداشت روان، مشهد: آستان قدس رضوی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران، ش ۳۱، ۱۳۹۱ش.
۶۶. مجموعه مقالات اسلام و بهداشت روان، دفتر نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
۶۷. مرتضی، سید بسام، زبدة المقال من معجم الرجال، بیروت: دارالمحجبة البيضاء، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
۶۸. مصطفوی، شیخ حسن، التحقيق فی کلمات القرآن کریم، تهران: وزارت ارشاد، چاپ اول، ۱۳۷۱ش.
۶۹. مطهری، مرتضی، انسان کامل، قم: انتشارات صدرا، چاپ هفتم، ۱۳۷۰ش.
۷۰. مظفر، محمدحسن، الإفصاح عن أحوال رواة الصحاح، ۴ جلد، قم: موسسه آل البيت: لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
۷۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم: دارالکتب، چاپ پنجم، ۱۳۶۸ش.
۷۲. نجاتی، محمدعثمان، قرآن و روان شناسی، ترجمه: عباس عرب، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷ش.
۷۳. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ ششم، ۱۳۶۵ش.
۷۴. نمازی شاهرودی، علی، مستدرکات علم رجال الحدیث، تهران: چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۷۵. نیکبخت نصرآبادی، علی اکبر، استعانت از قرآن کریم در شفای جسمانی، تهران: نشر قبله، چاپ اول، ۱۳۷۸ش.
۷۶. الهندی الفتنی، تذكرة الموضوعات، بی جا: إدارة الطباعة المنيرية، ۱۳۴۳ق.